شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۱۸ ۰۴ ۹۹
شنبه ۴
۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه ورزشی
+۴ صفحه کوله پشتی + ۱۶ صفحه شهرآرا
محله شماره ۳۱۴۶ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

رطوبت هوا ۱۵٪

۱۸° ↓	۳۳° ↑
صبح ۲۷°	ظهر ۲۹°
عصر ۳۲°	شب ۲۶°

- اذان ظهر ۱۲:۳۶
- غروب آفتاب ۱۹:۵۱
- اذان مغرب ۲۰:۱۳
- نیمه شب شرعی ۲۳:۴۲
- اذان صبح فردا ۳:۳۳
- طلوع آفتاب فردا ۵:۲۰

حدیث روز

سه چیز از علامات مؤمن است : شناختن خدا و شناختن دوستان و دشمنان خدا.

امام جعفر صادق (ع)

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۲

بدون شرح

محمدرضا میرشاه‌ولد

مسئولان پیگیری آخر داستان را می‌دانستند؟

بریده‌هایی از گفت‌وگوی حمید داوودآبادی درباره حاج احمد متوسلیان

نام حمید داودآبادی، پژوهشگر تاریخ دفاع‌مقدس، این‌روزها که مصادف روزهای شهادت احمد متوسلیان و همراهان اوست بیشتر شنیده می‌شود. امسال امّا واکنش‌ها به این رخداد سی هشت‌ساله طوری دیگری بود. داودآبادی و دیگر دوستان پژوهشگرش با شواهد و اطلاعات زیادی از شهادت قطعی متوسلیان خبر دادند و کمیته‌های پیگیری و دستگاه دیپلماسی را به پنهان‌کاری متهم کردند. از آن‌طرف و بعد از انتشار این خبر، وزارت خارجه مثل هرسال بیانیه‌ای صادر کرد دال بر اینکه آن‌ها زنده‌اند و همچنان در حال پیگیری سرنوشتشان هستند.

حمید داودآبادی امسال کتاب «راز احمد» و «سی‌وهفت‌سال» را منتشر کرده است که می‌گوید گُل سرسبد کتاب‌های اوست و اطلاعات تازه‌ای درباره شهید احمد متوسلیان در آن‌ها ارائه کرده است. خبرگزاری «مهر» در همین رابطه گفت‌وگویی با او انجام داده است که بخش‌هایی از آن را اینجا می‌خوانید:

*از سال ۷۳ تقریبا پیگیر این موضوع شدم. آن زمان خبرنگار نشریه فرهنگ آفرینش بودم. وقتی در عرصه مطبوعات به شکل رسمی وارد شدم دیگر دستم باز بود. من در آنجا بسیار فضا را باز دیدم و به همین دلیل شروع به نوشتن درباره حاج احمد کردم. تا سال ۷۲ اسم آوردن و سؤال پرسیدن درباره حاج احمد و ۳ دیپلمات مانند یک قانون نانوشته ممنوع بود. کسی حق نداشت درباره‌شان چیزی بگوید یا سؤالی بپرسد.

● حقیقت این بود که یک جمع از همان اول نمی‌خواستند داستان حاج احمد پیگیری شود و قاعدتا احتمال می‌رفت پاسخی برای این کارشان داشته باشند. همچنین ۸۰ درصد تمام این پیگیری‌ها در طول این چند سال همه ساختگی بود. تمام کمیته پیگیری‌های حاج احمد مانند یک تئاتر، یک سناریو را دنبال می‌کردند. تاکنون ۱۰ تا کمیته پیگیری چه در دولت و چه مجلس تشکیل شده است اما حتی یک از آن‌ها هم به خانواده‌های ربوده‌شدگان و مردم پاسخ ندادند.

● من پیش خانواده حاج احمد می‌روم و می‌بینم هیچ‌کس به آن‌ها هیچ گزارشی نداده است. معاون پارلمانی احمدی‌نژاد به من گفت آقای سید حسین موسوی که در تمام این سال‌ها مسئولیت پیگیری پرونده به دست او بوده، تا امروز یک برگ کاغذ به هیچ احدی ارائه نداده است. گفتم: پس شما که اکنون رئیس کمیته پیگیری شده‌اید چه؟ گفت: ما تنها یک کمیته هستیم و هیچ چیزی در دست نداریم. در لبنان پیش مرحوم شهید غضنفر رکن‌آبادی رفتم، به او گفتم: شما اینجا دفتر یا ستادی دراین‌باره دارید؟ گفت: ما هیچ‌چیز از آن‌ها در دست نداریم. یا مثلا اینکه آقایان می‌گویند ما در حال پیگیری از اینترپل و پلیس بین‌المللی هستیم. در یک جلسه نیمه‌خصوصی آقای رائد موسوی گفت تا امروز یک برگ سند درباره این ۴ نفر نه در دستگاه قضایی ما، نه لبنان و نه حتی در پلیس بین‌الملل نیست. در ۱۵ سال اول پیگیری این پرونده حداقل ۲۱ میلیارد تومان در همان دهه ۶۰ هزینه شده است، وقتی هزینه شده است نباید مدرکی باشد که به چه چیزی رسیده‌اند؟ من می‌گویم آن‌هایی که مسئولیت پیگیری پرونده حاج احمد و همراهانش را به عهده داشتند ته داستان را می‌دانند.

● شهید سلیمانی در ۲۴ اسفند ۹۷ از من پرسید: تو به چه چیزی در این پرونده رسیدی؟ گفتم: من به چیز بدی رسیدم. گفت: چی؟ گفتم: پیکر حاج احمد تهران است. لبخندی زد و به من گفت: نه. هر چهارتایشان تهران هستند. جا خوردم. گفتم: یعنی چی سردار؟ من فقط برای وجود حاج احمد دلیل دارم. سردار پاسخ داد قطعا هر ۴ نفر همان شب به شهادت رسیده‌اند. در ادامه گفت: ما چند وقت پیش (اشاره‌ای به زمان دقیقش نداشت) تبادلی با قوات‌اللبنانیه داشتیم، از آنجایی که می‌گفتند که پیکرشان را دفن کرده‌اند، پیکرها را به ما دادند. اکنون هم پیکرها طبق نظر شما تهران است. البته پیکری هم نیست و یک مشت استخوان هستند. همچنین سردار شهید گفت: ظاهرا می‌گویند دی‌ان‌ای آن‌ها همخوانی ندارد اما پیکرها همچنان هستند.

● تمام اخبار و شواهد بر این دلالت دارد اسعد شفتری، کسی که در کشتن نقش داشت، کریم بقرادونی و ۴ نفر این فالانژها یک حرف مشترک زدند، در مستند «در جست‌وجوی حقیقت» گفتند که ماشین را به همراه یکی از جنازه‌ها بردیم جلوی دفتر حزب بعث عراق در طرابلس لبنان گذاشتیم. این ادعای آن‌هاست.

همچنین بعدا اطلاعات کشور سوریه ماشین را پیدا کرد و برد. سال گذشته به خانه پدری حاج احمد رفته بودیم. خواهرش، حمیده، جلوی جمع برای اولین‌بار گفت: من یک چیزی می‌خواهم بگویم که تا حالا نگفته‌ام. چندروز پس از اینکه حاج همت از لبنان به ایران برگشته بود، به مغازه شیرینی فروشی پدرم رفته بود. پدرم به خانه آمد و گفت: حاج همت آمد و گفت: احمد در لبنان شهید شده است. این پرونده برای پدر ما بسته شده است.

عکس روز

غرق در کرونا

چشمه‌علی یکی از مناطق گردشگری باستانی و دیدنی شهر ری محسوب می‌شود. در گذشته، فرش‌فروش‌ها و مردم تهران، قالی‌ها و قالیچه‌های خود را برای ایجاد درخشندگی بیشتر، در این آب شست‌وشو می‌داده‌اند. امروزه این مکان نقش یک تفرجگاه را دارد و در فصل گرم تابستان میزبان کودکان و نوجوانانی می‌شود که برای فرار از گرمای هوا در آن به آب‌تنی و آب‌بازی می‌پردازند و لحظات شادی دارند. اما در روزهایی که کرونا همچنان مسئله اول کشور است، این همه ازدحام و رعایت نکردن فاصله اجتماعی و... نگران‌کننده است.

عکس: فروغ طاهرخانی | باشگاه خبرنگاران

شهرها، بازیگران جدید عرصه روابط بین‌الملل

دیپلمات شهر

بخش اول | بعد از «معاهده وستفالیا» در ۱۶۴۸ ما شاهد آغاز دوره‌ای به نام «دوره وستفالیا» بودیم که بیش از ۳ قرن طول کشید. در این دوره دولت-ملت‌ها یا حکومت‌های ملت‌محور شکل گرفتند که به تدریج به تنها بازیگر قانونی و رسمی تبدیل شدند و وظیفه تأمین نظم و امنیت در داخل و تنظیم روابط خارجی را بر عهده داشتند. در این دوره، روابط دیپلماتیک کشورها اساسا با محوریت دولت‌ها و توسط نماینده‌های رسمی آن‌ها به صورت دوجانبه و دولت به دولت[۱] صورت می‌گرفت و از این‌رو در عرصه دیپلماسی شاهد نقش‌آفرینی انحصاری و بلامنازع حکومت‌ها و نماینده‌های آن‌ها هستیم. از نیمه قرن ۲۰ به بعد ما شاهد بروز تحولات ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فناوری در جهان هستیم، به‌نحوی که این تحولات موجب تغییر در ماهیت، ابعاد و کارکرد دیپلماسی سنتی گردید و دانش واژه‌های جدیدی چون «دیپلماسی عمومی[۲]» و «دیپلماسی موازی[۳]» مطرح شدند. این برهه که به دوره «پُست وستفالیا» مشهور شد با رویدادهایی بزرگی چون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دوقطبی، انقلاب در عرصه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، وقوع پدیده جهانی شدن، افزایش آگاهی عمومی ملت‌ها، شبکه‌ای شدن جهان و تغییر فضای نظام جهانی از محوریت سیاست به اقتصاد و فرهنگ همراه بود و تأثیرات بنیادی در زمینه‌های مختلف از جمله در دیپلماسی سنتی داشت، به‌نحوی که شرایط برای نقش‌آفرینی بازیگران جدید در عرصه دیپلماسی فراهم شد. در این فضای متفاوت و با ورود بازیگران جدید به عرصه دیپلماسی، دانش واژه‌هایی چون دیپلماسی علمی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی شهری مطرح شد که مبین این واقعیت بود که دیگر دولت‌ها به تنهایی قادر به نقش‌آفرینی در عرصه تعاملات بین‌المللی نیستند و دیپلماسی سنتی قادر به پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های فعلی جهان دیپلماتیک نیست. در واقع بازیگران جدیدی چون سازمان‌های غیردولتی، نهادها و سازمان‌های سطح محلی، گروه‌های فشار، انجمن‌های تخصصی، شرکت‌ها و گروه‌های تجاری و نخبگان علمی در زمینه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی به ایفای نقش پرداختند. در بین بازیگران جدید، شهرها و بازیگران شهری در قالب «دیپلماسی شهری» به سرعت مطرح شدند و به‌طور روزافزونی به نقش‌آفرینی در سطح فراملی و بین‌المللی پرداختند. در واقع شهرداران و مسئولان شهری، نهادها و سازمان‌های شهری و دیگر گروه‌های فعال شهری در شهرها شروع به نقش‌آفرینی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، توسعه، امنیت در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی کردند و نشان دادند شهرها می‌توانند در عرصه دیپلماتیک فعالیت مؤثری انجام دهند. نقش‌آفرینی شهرها در دیپلماسی شهری در قالب ۲ نوع دیپلماسی دوجانبه و دیپلماسی چندجانبه مطرح شد. دیپلماسی دوجانبه شهری شامل همکاری‌های شهر با شهر است که به صورت بین‌المللی و تفاهم‌نامه‌های دوجانبه ظاهر می‌شود، تفاهم‌نامه‌های دوجانبه شهرها در قالب «خواهرخواندگی» یکی از مهم‌ترین نمادهای این نوع دیپلماسی است. وقوع چالش‌ها و تهدیدات طبیعت پایه و انسان‌محور متعدد مانند سیل، زلزله، خشک‌سالی، آلودگی هوا، ترافیک، حاشیه‌نشینی، ناامنی و جرم شهرها را به سمت همکاری‌های بین‌المللی چندجانبه سوق داده است و در این فضا «دیپلماسی چندجانبه» شهری مطرح شده است. در چارچوب دیپلماسی شهری چندجانبه، سازه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با حضور نماینده‌های شهرها تأسیس شدند که «سازمان شهرهای متحد و حکومت‌های محلی[۴]»، «شهرداران پیام‌آور صلح»، «انجمن خواهرخوانده‌های بین‌المللی» و «کنگره قدرت‌های محلی و منطقه‌ای اتحادیه اروپا» برخی از آن‌ها هستند. شهرهای کشورهای مختلف با عضویت در این سازمان‌ها و در قالب دیپلماسی چندجانبه به ارائه تجربیات برای حل معضلات و چالش‌های مشترک می‌پردازند.

سیدهادی زرقانی
دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

G2G-۱
Public Diplomacy - ۲
Paradiplomacy - ۳
UCLG- ۴

کاش من نمی‌مردم از ترس مردن

حبیبه جعفریان
نویسنده و روزنامه‌نگار

تقدیم به هنگامه و کاوه گلستان

این دوست من در لندن زندگی می‌کند، با پسرش. سن‌وسالی ازش گذشته ولی خیلی شبیه این‌هایی که سن‌وسالی ازشان گذشته نیست. پارسال پاییز که رفته بودم دیدنش -هر وقت ایران است، حتما می‌روم دیدنش- در حالی که داشت سیگار بهمنش را از توی پاکت درمی‌آورد یک‌هو انگار چیزی یادش آمده باشد گفت: «تازگی‌ها هر بار سیگاری درمی‌آرم بکشم دوستام دسته‌جمعی شروع می‌کنن که نکش! نکش! می‌میری‌ها! آخه چرا سیگار می‌کشی؟ ضرر داره.» ابروهایش را بالا می‌اندازد و سیگارش را روشن می‌کند. معلوم است همین لحظه که دارد ماجرا را تعریف می‌کند هم باز تعجب کرده. من گفتم: «خب راست می‌گن دیگه. ضرر داره.» پکی به سیگارش زد و گفت: «آخه می‌دونی؟ یه چیزی رو فهمیدم. اینکه هر کاری که بکنی یا هرچی که بخوری اینا یه جمله این‌جوری دارن بهت بگن. مثلا یکی از دوستامون ردبول و هایپ و این چیزا می‌خوره. اینو بدبخت کردن: «سرطان می‌گیری‌ها! اینا عقیمی می‌آره‌ها!» اون یکی خیلی اهل شیرینیه، گیر دادن بهش که «می‌دونی شیرینی می‌کُشه؟» از این جمله «شیرینی می‌کشه!» خنده‌ام می‌گیرد. این دوست من همیشه با یک اغراق دلپذیری وقایع را تعریف می‌کند. اغراقی که دروغ‌گویی نیست ولی عین واقعیت هم نیست. خنده مرا که می‌بیند حتی نمی‌پرسد خب چرا یا به چی می‌خندی؟ سیگارش دیگر رسیده به تهش. همان‌طور که دارد فیلتر قهوه‌ایِ کم‌رنگ را توی زیرسیگاری له و لورده می‌کند انگار با خودش حرف بزند می‌گوید: «بعد، همه اینا رو نمی‌خوری و نمی‌کِشی و سرطانم نمی‌گیری و بچه‌دارم می‌شی، یه روز می‌ری سر کوچه ماست بخری یه کامیون بهت می‌زنه، می‌افتی می‌میری». می‌گویم: «ولی تو کوچه کامیون نمی‌آد». می‌گوید: «خب پراید. مگه فرقی می‌کنه؟» یاد یک چیزی افتاده‌ام. نمی‌دانم بهش بگویم یا نه. می‌گویم: «بیلی وایلدر یه مصاحبه‌ای داره. توش درباره اینکه هر وقت خواسته سیگارو ترک کنه...» می‌گوید: «به این صحنه فکر کرده که داره تو خیابون می‌ره یه ماشینی می‌زنه بهش، می‌افته تو جوب و همون‌طور که جونش داره در می‌ره به همه اون سیگارایی فکر می‌کنه که می‌تونسته بکشه و نکشیده؟» سرم را تکان می‌دهم. می‌گوید: «می‌دونی! آخه مسئله من حتی اینم نیست که پس حالا که این‌طوریه با سیگار خودتو خفه کن. معلومه که سیگار چیز کثافتیه. مسئله من با این دوستام تو همون لندنِ خراب‌شده هم که هستم اینه که این‌جوری تو همش داری تو ترس زندگی می‌کنی. توی ترسِ چیزایی که هنوز نیومدن. مثلا اونجا اینو شنیدن که فلان جای لندن از ساعت ۴ به اونور نری‌ها! چاقو می‌زنن. باشه ولی چاقو هم یه بار به آدم می‌زنن دیگه. ۱۰ بار که نمی‌زنن. ولی اون‌جوری که اونا می‌گن یعنی همه‌اش وقتی می‌رم توی خیابون باید تنم بلرزه، چون ممکنه بهم چاقو بزنن. می‌دونی؟ ترسِ همه‌چی جلوتر از خودش می‌آد. نمی‌دونم چرا این‌قدر تو این توهمیم که می‌تونیم زندگی رو پیش‌بینی کنیم. زندگی لذتش به اینه که چیزی درباره‌اش ندونی. از خوبیاش یا بدیاش. فقط زندگی‌اش کنی. با اینایی که همه‌چیزو واسه ویتامینش می‌خورن هم همین مشکلو دارم».

می‌رود دم پنجره. به آفتابِ کم‌رنگ سرظهر پاییز که افتاده روی درخت گردوی حیاط خانه‌اش نگاه می‌کند و می‌گوید: «این درخت گردو رو ۱۴، ۱۵ سال پیش خودم کاشتم. اون موقع همه می‌ترسیدن این درخته منو بکشه. می‌گفتن درخت گردو ریشه‌هاش یه جوری می‌شه که می‌آد زیر ساختمون همه چی رو زیرورو می‌کنه، خونه هوار می‌شه سرت. اینو از یکی شنیده بودن، یا یه جایی خونده بودن، یادشون نبود، ولی ترسش یادشون بود.» بعد می‌رود سمت سیگارش. رو به من می‌گوید: «می‌دونی! مطمئنم یه روزی دانشمندا کشف می‌کنن «هرگونه قرار گرفتن در مقابل آفتابِ پاییز در طولانی‌مدت آدم‌کش است.» من که تا اون موقع به‌خاطر همین سیگار بهمن یا اون کامیونه یا پرایده دیگه کشته شدم ولی به نظرم تو از الان تکلیف خودتو روشن کن که با کدومایی؟ با دانشمندایی یا با ما؟»

تاریخ‌نگار

۱۸ تیر ۱۳۸۱

درگذشت آیت‌ا... سیدکاظم اخوان مرعشی

یکی از روحانیون تأثیرگذار اما کمترشناخته‌شده مشهد در سال‌های مبارزه برای پیروزی انقلاب اسلامی آیت‌ا... سید کاظم اخوان مرعشی است؛ بزرگی که به همراه برادرش سید مهدی ۲۶ اردیبهشت سال ۱۲۹۸ در نجف به دنیا آمد و سال‌ها در کنار برادر تحصیل و تدریس کرد تا اینکه هر ۲ به درجه اجتهاد رسیدند و مراجع دوقلو لقب گرفتند. البته سید کاظم در ابتدای اخراج ایرانیان از عراق در سال‌های نخست دهه ۵۰ به قم رفت و پس از ۲ سال ساکن مشهد شد تا منزلش یکی از بیوت فعال در مبارزه علیه رژیم پهلوی شود. او در این راه به حدی فعال بود که به صورت مستقیم در درگیری با نیروهای پهلوی دوم شرکت می‌کرد و در بین مردم به «آیت‌ا... ضدتانک» معروف شده بود. فعالیتی که تا سال‌های نخست پس از انقلاب هم ادامه داشت، به‌نحوی که وی نقش بزرگی در فرونشاندن غائله ترکمن‌صحرا داشت. البته آیت‌ا... مرعشی در سال‌های بعد بیشتر به امور حوزوی پرداخت تا اینکه در ۱۸ تیر ۱۳۸۱ به دیدار یار شتافت.

فرهنگی

آغاز به کار دفتر خبرگزاری دفاع مقدس در مشهد

دفتر نمایندگی مستقل «خبرگزاری دفاع مقدس» خراسان رضوی در محل «باغ‌موزه دفاع مقدس» مشهد گشایش یافت. به گزارش ایرنا، مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خراسان رضوی در مراسم افتتاح این خبرگزاری گفت: نمایندگی خبرگزاری دفاع مقدس در مشهد جزو نخستین دفاتری است که به صورت مستقل از دفتر مرکزی تهران، به انتشار اخبار حوزه دفاع مقدس و ایثار و شهادت می‌پردازد. سردار سرتیپ دوم پاسدار حسینعلی یوسفعلی‌زاده با اشاره به تلاش رسانه‌ای دشمنان گفت: نباید جنگ نرم و عملیات روانی دشمن از ما تلفات بگیرد و نباید در این خصوص کاهلی و تساهل کنیم، بلکه باید همانند رزمندگان سلحشور دفاع مقدس در جنگ مطبوعاتی آماده خدمت باشیم. حجت‌الاسلام علیرضا دهقان، مسئول دفتر نمایندگی خبرگزاری دفاع مقدس در خراسان رضوی، نیز گفت: محور اصلی فعالیت‌های این رسانه پوشش خبری یادواره‌های شهدا، مراسم فرهنگی، آیین‌های تشییع پیکر شهدا و ثبت رویدادهای حوزه دفاع مقدس نظیر تألیف کتاب است.

هنری

اسطوره کانتری درگذشت

ایرنا- چارلی دنیلز، خواننده، آهنگ‌ساز و نوازنده سبک کانتری و فیوژن راک که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به اوج شهرت خود رسید، با عارضه سکته مغزی درگذشت. به گزارش نشریه ورایتی چارلی دانیلز در ایالت تنسی بر اثر سکته مغزی در ۸۳ سالگی درگذشت. این هنرمند که سابقه همکاری با بزرگانی چون باب دیلن و لئونارد کوهن را داشت در سال‌های آغازین دهه ۷۰ میلادی موفق شد به عنوان خواننده و رهبر گروه موسیقی به شهرتی افسانه‌ای دست یابد. بسیاری از صاحب‌نظران دنیلز را به عنوان یک موزیسین بزرگ و خوش‌سخن توصیف کرده‌اند و در وصف این هنرمند فقید گفته‌اند: «او دوست‌داشتنی بود و موسیقی جذابی هم می‌ساخت.». این هنرمند موفق شده بود آلبوم «تفکرهای یک میلیون مایلی» خود را به پنجمین آلبوم پرفروش‌ترین در فهرست پاپ تبدیل کند و همچنین یک جایزه گرمی هم دریافت کرده بود.

او در سال ۲۰۱۶ وارد تالار مشاهیر موسیقی کانتری شد.

نگاه هشتم

غلامرضا بنی‌اسدی | روزنامه‌نگار

قاعده‌سازی کرونا

از آدم مبتلا به کرونا، فرسنگ‌فرسنگ فاصله می‌گیریم. حق هم داریم. بحث سلامتی است، بحث جان است و جهانی از این معادله در هراس است. خیلی جاها عزیزان خود را رها می‌کنند تا خود به سلامت رهند. به ایران نگاه نکنید که کادر درمان پهلوانی را تمام می‌کند در حق بیماران. به ایران نگاه نکنید که مردم پشت‌به‌پشت هم می‌دهند تا کمر مشکلات را بشکنند. به ایران نگاه نکنید که سنت مواسات دارد غبار غم می‌گیرد از چهره‌های رنجور و مردم حاضرند تا لقمه‌ها را کوچک‌تر بردارند تا به تعداد بیشتری برسد. همه‌جا این طور نیست. خبرها از دیگر مناطق گاه چنان تلخ می‌شود که نخوانیم به صواب‌تر است. وقتی «خود» محور باشد، «دیگری» نوبت میدان نمی‌یابد و به حاشیه رانده می‌شود. وقتی سنگ ایثار و تعاون و هم‌گرایی از ترازو بیرون افتد، ناهم‌ترازی جایش را خواهد گرفت تا فقط کفه‌ای سنگین شود که به «من» مربوط می‌شود. نقطه کانونی و نکته حیاتی زیست اجتماعی هم همین‌جاست؛ وقتی به خود بپردازیم، حاضر خواهیم شد روی حق دیگران قلم قرمز بکشیم اما کرونا به نوعی معادله را تغییر می‌دهد. آدم‌ها نه برای سلامت خود که باید برای سلامت دیگری ماسک بزنند. یعنی این بیماری دارد توجه ما را حتی در ساخت خودپرستی هم تغییر می‌دهد! من ماسک می‌زنم تا تو سالم بمانی و تو باید ماسک بزنی تا من سالم بمانم. این چند خط را دوباره از اول بخوانیم؛ کرونا دارد قاعده اولیه را بازسازی می‌کند و نظمی تعریف می‌شود که همدیگر را ببینیم!

زین قند پارسی

با این تفاصیل

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

● «تفاصیل» یعنی توضیحات. «با این تفاصیل» یعنی با وجود توضیحاتی که داده شد. برخی به غلط به‌جای «با این تفاصیل» می‌گویند: «با این تفاسیر» به نقل از «دست‌نامه ویرایش»

- با این تفاسیر راه حلی پیدا خواهیم کرد. ✗
- با این تفاصیل، مشکلات حل خواهد شد. ✓

#زین_قند_پارسی